

نمود هنر شیعی در بقعه‌های گیلان (با تأکید بر رویکرد مطالعات تاریخ فرهنگی)

سولماز رئوف^۱

جواد نیستانی^۲

سیدمهدی موسوی کوهپیر^۳

چکیده: گیلان از جمله اولین مناطقی است که مذهب شیعه در آن رواج پیدا کرد. گرایش‌های مختلف شیعه، از جمله زیدی، هفت‌امامی یا اسماعیلی و دوازده‌امامی را در دوره‌های مختلف در مناطق شرق گیلان شاهدیم. در مناطق غرب گیلان، ورود اسلام حدود چهارصد سال دیرتر از مناطق شرقی و به صورت اسلام سنی بوده است. علت عدم گسترش مذهب شیعه به مناطق غربی مشخص نیست. تعداد زیادی بقعه در مناطق مختلف گیلان وجود دارد. نکته حائز اهمیت وجود نقاشی دیواری بر روی گچ در بقعه‌های مناطق شرق گیلان است. تاریخ‌های موجود در برخی از این آثار، حاکی از تعلق آنها به دوره قاجار است. البته به نظر می‌رسد پیدایش دیوارنگاره‌های بقاع مربوط به دوره صفوی و همزمان با اشاعه مذهب شیعه اثنی عشری باشد. از همان ابتدای گسترش اسلام، تصویرنگاری توسط بسیاری از علما و روحانیون تحریم شد، اما شیعیان برخلاف اهل سنت توجه چندانی به فتواها نکردند. موضوع اصلی تصویرنگاری در بقعه‌ها، شرح مصایب وارده بر امام حسین (ع) و اهل بیت وی در روز عاشورا است. در واقع، این حادثه مورد پذیرش تمامی گرایش‌های شیعه و سنی است. علاوه بر آن، موضوعات دیگری بر دیوار بقعه‌ها نقش بسته که منحصرأ نشان دهنده عقاید شیعی است. از جمله، معراج پیامبر همراه با براق در حال اهدای انگشتری به شیر (حق جانشینی برای علی بن ابی طالب)، حضرت علی (ع) در حال نبرد با اژدها، امام رضا (ع) به عنوان ضامن آهو، امام کاظم (ع) در زندان هارون، حضرت فاطمه (س) و غیره.

در پژوهش حاضر، درصددیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که: دیوارنگاره‌های موجود در بقاع، در راستای برآورده کردن کدام نیازهای جامعه شکل گرفته است؟ پراکنش بقاع دارای نقاشی، در مناطق مختلف گیلان به چه صورت است؟

هدف از این تحقیق، مشخص کردن جنبه‌های مختلف عقاید شیعه بر روی نقوش دیواری بقعه‌ها است. ابزار گردآوری اطلاعات به صورت میدانی (دیدن بقعه‌های گیلان از نزدیک) و اسنادی (منابع کتابخانه‌ای) است.

واژه‌های کلیدی: بقعه، گیلان، نقاشی دیواری، شیعه

۱ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس solmaz_raof@yahoo.com

۲ دانشیار باستان‌شناسی، عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

Jneyestani@modares.ac.ir

۳ دانشیار باستان‌شناسی، عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس m_mousavi@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۱۸ تاریخ تأیید: ۹۸/۰۶/۲۰

Shiite Art in the Religious Monuments (Boghe) of Gilan Emphasizing Cultural History Studies Approach

Solmaz Raof¹

Javad Neyestani²

Seyed Mehdi Mousavi Kouhpar³

Abstract: The eastern regions of Gilan are among the first areas where Shi'a religion was prevalent. In a number of religious monuments (boghe) of these areas, a painting on the plaster exist including a description of the suffering of Imam Hussein (AS) and his companions on Ashura day, the Mi'raj of Prophet with donating a ring to a lion (the right of succession to Imam Ali (as)), Ali (AS) is fighting a dragon, Imam Reza (AS) as the guarantor a deer, Imam Kazim (AS) in the Harun prison etc. The dates seen in some of these works indicate that they belong to the Qajar era. However, it seems that the appearance of the boghe's wall paintings is related to the Safavid period and simultaneously with the spread of Shiite religion. In the present research, we seek to answer these questions: Have boghe wall paintings been created to meet the needs of the community? What is the dispersion pattern of boghes in different regions of Gilan? The purpose of this research is to identify the various aspects of Shi'a beliefs on the boghes' wall paintings.

Keywords: Boghe, Gilan, wall painting, Shiite

1 PhD Candidate in Archaeology, Tarbiat Modares University, solmaz_raof@yahoo.com.

2 Associated Professor, Department of Archaeology, Tarbiat Modares University, (Corresponding Author) Jneyestani@modares.ac.ir

3 Associated Professor, Department of Archaeology, Tarbiat Modares University
m_mousavi@modares.ac.ir.

مقدمه

در زبان عربی سده نخست قمری، شیعه به معنی گروهی از مردم و یاران و پیروان بوده است. آنچه منشأ پدید آمدن شیعه شده، کاربرد ترکیبی شیعه علی (ع) در جریان‌های تاریخی-مذهبی سده نخست قمری بوده است (احمدبن حنبل، ۱۳۱۳ق: ۱۴۸). از سده دوم قمری نوعی تقابل میان امامیان و گروه‌های دیگر شیعه، به خصوص زیدیه پیش آمد؛ زیرا برخلاف زیدی‌ها، امامیان ثبوت امامت را به نص جلی و با تعیین فرد فرد امامان به امر الهی دانسته‌اند. علاوه بر این، بر خصوصیات دیگری چون مفترض الطاعه بودن و معصوم بودن امام و همچنین خالی نبودن زمین در هیچ زمانی از امام تأکید داشتند (شهرستانی، ۱۳۷۵ق: ۱۴۴-۱۴۵). بدین ترتیب، از سده دوم قمری شیعه به دو جریان موازی امامیه و زیدیه و نیز جریانی منشعب از امامیه با عنوان اسماعیله تقسیم شد (پاکچی، ۱۳۸۰: ۱۵۹/۱۰). مردم گیلان به خصوص اهالی دیلمان و لاهیجان، از نیمه دوم سده دوم قمری به صورت آزادانه و بعد از آشنایی با سادات علوی، اسلام را پذیرفتند. قیام علویان حسنی، به تشکیل دولت زیدی در این مناطق منجر شد (رحمتی، ۱۳۹۲: ۱۲). به دلیل موقعیت جغرافیایی مناطق خزری، در جریان فتوحات اعراب، تنها بخش‌های اندکی از آن تحت سیطره مسلمانان درآمد. در حقیقت، گسترش اسلام در این مناطق حاصل فعالیت‌های داعیان زیدی و گروه‌های حنبلی و دیگر مذاهب اسلامی بوده است. شیعیان زیدی، سیاسی‌ترین فرقه شیعه محسوب می‌شوند. امرای زیدی با اتکا به قدرت قبایل دیلم که سال‌ها بین آنها تبلیغ و ترویج مذهبی کرده بودند، توانستند بر سامانیان و امرای محلی خودشان از قبیل «جستانیان» غلبه کنند. در نیمه دوم قرن پنجم قمری نفوذ اسماعیلیه در گیلان مانند سایر نقاط ایران آغاز شد و اندک اندک شدت پیدا کرد. حسن صباح و مبلغان اسماعیلی مردم گیلان را که سابقه تشیع داشتند، به قبول مذهب خود دعوت کردند.

فرمانروایی سادات «آل کیا» از سال ۷۶۹ تا ۱۰۰۰ق. و به تعبیری از سال ۷۷۱ تا ۱۰۰۱ق. بر «بیه پیش» (لاهیجان) بود. مؤسس خاندان آل کیا «سید امیرکیا» از سادات روستای «ملاط» از توابع لاهیجان بود. او اولین شخصی بود که برای استقلال آن ناحیه تلاش کرد (مرعشی، ۱۳۶۳: ۳۷۹؛ رایینو، ۱۳۶۴: ۱۳۱). نسب خاندان آل کیا به «احمد الاکبر» مشهور به «عقیقی کوکبی» از نیرگان امام زین العابدین علی بن الحسین (ع) می‌رسید (نوزاد، ۱۳۷۳: ۸). خاندان آل کیا پیرو مذهب زیدیه و از مخالفان سرسخت مذهب اسماعیلی بودند. پس از آنکه «خان احمدخان» نزد شاه‌طهماسب صفوی مذهب شیعه دوازده‌امامی را قبول کرد، به

مخالف سرسخت مذهب زیدیه در گیلان تبدیل شد و مردم نواحی مختلف را به شیعه دوازده امامی دعوت کرد. بسیاری از مؤلفان اذعان دارند که مردم گیلان به خصوص منطقه شرق - تا دوره صفویه از مذهب زیدیه، جارودیه و اسماعیلیه پیروی می کردند. براساس رویکرد تاریخ فرهنگی، نمود مذهب شیعه را در بسیاری از جنبه های زندگی، از جمله فرهنگ و هنر مردم این منطقه می بینیم. یکی از جنبه های مشهود که در این تحقیق به آن پرداخته شده، نقوش موجود در بقعه های منطقه است. در گیلان تعداد زیادی بقعه وجود دارد که فراوانی تعداد آنها بی ارتباط با حضور علویان در منطقه نیست. بر دیوار بقعه های موجود در مناطق شرقی گیلان، نقوشی حاوی مضامین مذهبی به خصوص واقعه کربلا و شرح مصایب وارده بر امامان و غیره دیده می شود. شرح واقعه کربلا، اصلی ترین موضوع مطرح در عقاید شیعه و نقوش دیواری بقعه های گیلان است که در مقاله ای دیگر با عنوان «نمود تعزیه در نقاشی دیواری بقعه های گیلان، براساس دیدگاه بانوفسکی»، توسط نگارندگان همین پژوهش به تفصیل بررسی شده است.^۱ به همین دلیل در مقاله پیش رو برای پرهیز از تکرار، به موضوع واقعه کربلا اشاره نشده است. با توجه به تاریخ های موجود در این بقعه ها، نقوش در دوره قاجار ایجاد شده است.

پیشینه پژوهش

مطالعات چندی در زمینه دیوارنگاره های بقعه های ایران و گیلان صورت گرفته که بیشتر این آثار درباره توصیف نقوش و ویژگی های معماری این بناهاست. تاکنون تحقیقی درباره ریشه پیدایش این نقوش و مذاهب موجود در گیلان و تأثیر آن بر این گونه نقوش انجام نشده است. چند مورد از تحقیقات انجام شده در این زمینه به شرح زیر است:

- محبوبه الهی در کتاب *تجلی عاشورا در هنر ایران* (۱۳۷۷)، به شرح واقعه کربلا و مصایب آن، پیشینه تاریخی تعزیه، نمود این واقعه در هنرهای فلزکاری، اشیای چوبی، منسوجات، نقاشی، نقاشی بر پشت شیشه، کاشی کاری و گچ ببری پرداخته است. نویسنده به صورت کلی به مضامین عاشورایی در هنرهای مختلف اشاره کرده و از پرداختن به جزئیات هنر دیوارنگاره های بقاع خودداری کرده است.

۱ سولماز رئوف، جواد نیستانی و سید مهدی موسوی کوهپر (بهار و تابستان ۱۳۹۸)، نمود تعزیه در نقاشی دیواری بقعه های گیلان، براساس دیدگاه بانوفسکی، *جستارهای تاریخی*، ش ۱، دوره ۱۰.

- علی‌اصغر میرزایی مهر در کتاب *نقاشی‌های بقعه‌های متبرکه در ایران (۱۳۸۶)*، به معرفی بقعه‌های ایران که دارای نقوش می‌باشند، پرداخته است که بقعه‌های گیلان هم جزو آنهاست. در این کتاب، به توصیف نقوش به کار رفته در بقعه‌ها، فن اجرای نقاشی‌ها و همچنین معرفی چند تن از نقاشانی که بر روی بقعه‌ها نقش‌نگاری کردند، پرداخته شده است.

- پایان‌نامه‌ای با عنوان «بازتاب باورهای شیعی در بناهای مذهبی مازندران تا پایان دوره قاجار» توسط علی‌اصغر کلانتر در *دانشگاه شاهد* در سال ۱۳۸۸ تدوین شده است که بسیاری از موتیف‌های موجود در هنر اسلامی، از جمله مقرنس، اسلیمی، گنبد، ضریح، آب، شیر و غیره را در ارتباط با بازتاب باورهای شیعی در بناهای مذهبی مازندران مطرح کرده است. تعدادی از این مضامین، در تمام هنرهای اسلامی موجود است و نمی‌تواند خاص یک دوره یا فقط مذهب شیعه باشد، اما نقش شیر در بسیاری از موارد در ارتباط با بیان اعتقادات شیعی است.

- مقاله‌ای که به ظاهر ارتباط نزدیکی با موضوع مورد بحث در این پژوهش دارد، با عنوان «تجلی باورهای شیعی در مضامین عاشورایی دیوارنگاره‌های بقاع متبرکه گیلان» توسط پریسا شاد قزوینی در *فصلنامه شیعه‌شناسی* به رشته تحریر درآمده است. همان‌طور که از عنوان این مقاله پیداست، نویسنده فقط به موضوعاتی که با واقعه کربلا ارتباط دارند و در نقوش بقعه‌ها به کار رفتند، اشاره کرده و ناگفته پیداست که این مضامین نمود عقاید شیعی می‌باشند؛ زیرا واقعه کربلا فصل مشترک همه فرقه‌های مذهب شیعه است. البته موضوعی که نویسنده مقاله از آن غافل مانده، بیان مضامینی است که در ارتباط با عاشورا نیستند، اما بیان‌کننده مضامین شیعی می‌باشند.

در این تحقیق، نگارندگان سعی کردند برای پرهیز از تکرار، به شرح مضامین عاشورایی نپردازند و به موضوعات دیگر که به‌طور خاص بیان‌کننده اعتقادات شیعی به‌خصوص شیعیان دوازده‌امامی است، بپردازند.

رویکرد نظری تحقیق

رویکرد مقاله پیش رو، تاریخ فرهنگی است که تلاش شده است تا با دیدگاهی بینارشته‌ای، دو حوزه اصلی علوم انسانی یعنی تاریخ و فرهنگ با یکدیگر و در تعامل با هم دیده شود

(برک، ۱۳۸۹: ۲۰). در واقع، نقاشی و معماری بخشی از فرهنگ است که علاوه بر معانی ظاهری، دارای معانی نمادین نیز است. تاریخ فرهنگی به تاریخ شناخت این معانی تبدیل می‌شود. دین و مذهب به عنوان یکی از جلوه‌های بارز فرهنگ، در شکل‌بخشی به مسیر حرکت فرهنگی و اجتماعی جامعه عهد قاجار گیلان مهم بود. رفتارهای اعتقادی و اجتماعی گروه‌های اجتماعی و یا احکام دولتی را می‌توان مصداقی از حکم دینی و مذهبی قلمداد کرد. همچنین بین زمینه اجتماعی تحولات یک دوره با تطورات در نگرش مذهبی آن جامعه رابطه تنگاتنگی وجود دارد. نگارندگان با کمک این رویکرد، سعی در فهم ارتباط بین نقاشی دیواری بقعه‌ها و اعتقادات دینی و مذهبی جامعه عصر قاجار گیلان به عنوان بخشی از فرهنگ دارند. روش انجام این تحقیق از طریق ابزار گردآوری اطلاعات به صورت میدانی (دیدن بقعه‌های گیلان) و اسنادی (منابع کتابخانه‌ای) بوده است.

شیعه در گیلان

بعد از ظهور اسلام و سقوط پادشاهی ساسانیان که سراسر ایران به دست اعراب افتاد، اهالی گیل و دیلم در پناه رشته کوه‌های البرز و جنگل‌های انبوه، دست به مقاومت زدند و از ورود تازیان به سرزمین خود جلوگیری کردند. دیلیمان، سادات علوی را به منزله متحدان واقعی در مخالفت با خلفای بغداد، در میان خویش پذیرفتند و به تدریج نفرت دیلیمان از دین اسلام کمتر شد و به سبب آمیزش بسیار با علویان، انس و آشنایی اندکی با دین اسلام پیدا کردند. قیام علویان در سال ۲۵۰ق. با دعوت حسن بن زید آغاز شد. وی ملقب به «داعی کبیر» با دعوت مردم توانست بسیاری از مناطق را از سیطره کارگزاران خلفا خارج کند. علاوه بر مردم، بسیاری از بزرگان دیلم نیز با وی همراه شدند و حمایت خود از وی را اعلام کردند (مادلونگ، ۱۹۸۷: ۱۸). در واقع، کوشش‌های حسن بن زید برای گسترش اسلام و مذهب زیدیه، بیشتر رنگ و هدف سیاسی داشت تا دینی. بدون شک خشونت‌ها و قتل‌عام‌های مکرر وی، مؤید همین دیدگاه است. حسن بن زید طی بیست سالی که در ولایات شمالی ایران زندگی کرد، همه را به جنگ و گریز و کوشش برای تأسیس و استقرار دولت گذراند (سجادی، ۱۳۹۴: ۱۷۰). وی در سیاست مذهبی خود، به گونه‌ای رسمی آداب و شریعت شیعه و کلام معتزلی را رواج داد (مادلونگ، ۱۳۷۵: ۱۴۲). او در سال ۲۵۲ق. فرمان داد در تمام نواحی تحت قلمروش، مطابق مذهب شیعه در بانگ نماز «حی علی خیر العمل» گویند، «بسم

الله را در نماز به جهر ادا کنند و در نماز صبح قنوت واجب داشته باشند، در اصول و فروع دین پیرو آرای امام علی(ع) باشند و او را افضل بر تمام امت بدانند، به جبر و تشبیه، یعنی آرای اشاعره اعتقاد نورزند و روایات مخالف امام علی(ع) را روایت نکنند و بر پای پوش‌ها مسح نکنند (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹: ۲۴۰، ۲۶۱؛ حکیمیان، ۱۳۴۸: ۷۹). ناصر خسرو در سفرنامه خود نوشته است: «... آل علویان نیز شوکتی داشتند ... و زیدی مذهب بودند و در قامت گویند محمد و علی خیر البشر و حی علی خیر العمل...» (ناصر خسرو، ۱۳۶۳: ۶۲). در قرن چهارم قمری مقدسی نوشت است: «گیلک‌ها از کسی جز فرزندان داعی اول و دوم پیروی نمی‌کردند» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۴۸). در ارتباط با عقاید پیروان مذهب زیدی، باید گفت آنان پس از اعتقاد به برحق بودن امامت علی(ع) بعد از پیامبر(ص) و امامت حسن(ع) و حسین(ع)، امامت را منحصر به فرزندان آن دو می‌دانند و بر این باورند که هر یک از آنها که دارای شرایط باشد و مردم را به امامت خود دعوت و علیه ظلم و ستم قیام کند، امام خواهد بود. آنها پس از امام حسین(ع)، به امامت زیدبن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب(ع) معتقدند و خود را پیرو او می‌دانند. همچنین آنان به وجوب خروج بر حاکمان ظالم معتقدند و همچون معتزله به توحید، عدل، وعد و وعید قائل‌اند (موسوی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۲۵۱-۲۵۲).

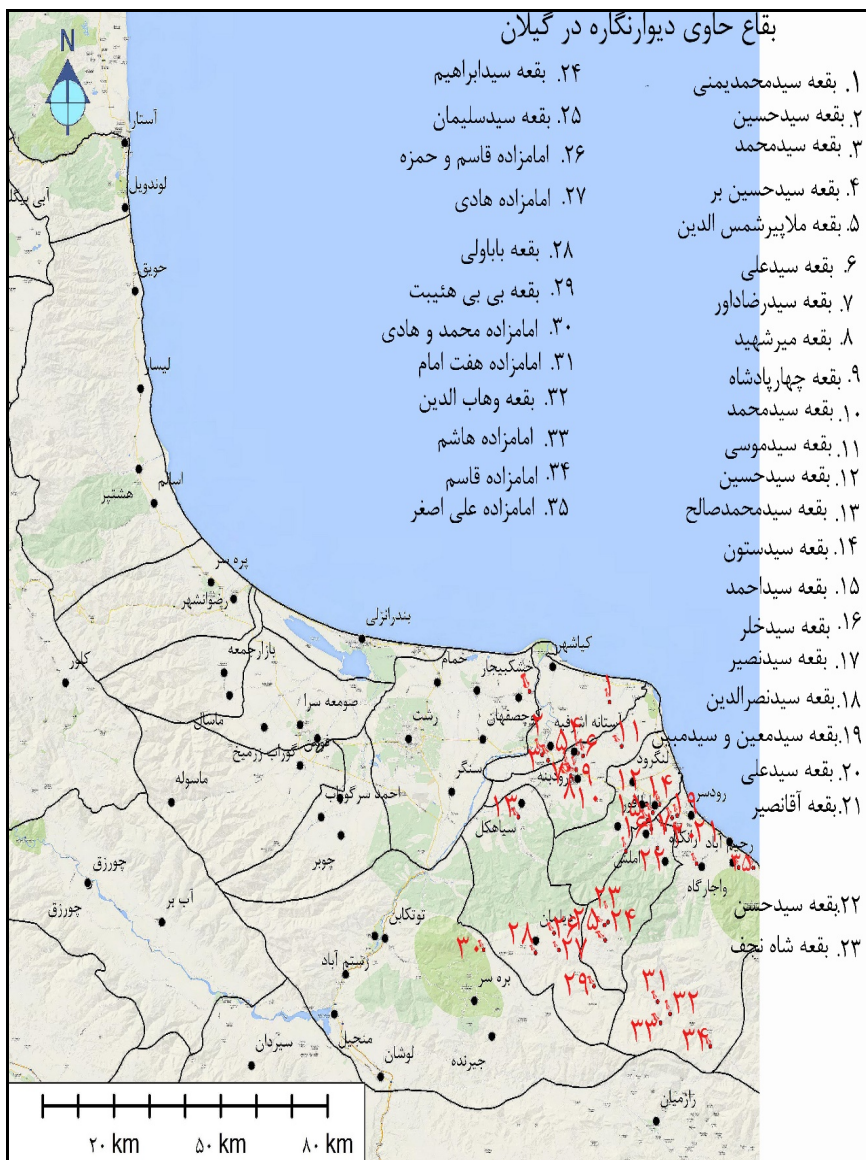
اصول اندیشه‌های زیدیان شامل این موارد است: ۱. توحید؛ ۲. عدل؛ ۳. وعده و وعید؛ ۴. امامت؛ ۵. امر به معروف و نهی از منکر (موسوی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۸۷). بر همین اساس، در عقیده زیدیه هر سید فاطمی که عالم، شجاع و زاهد باشد و علیه حکومت ستمگر قیام کند، امام مفترض الطاعه و اطاعتش بر هر مسلمان واجب است. در واقع، شرط بیعت با زمامدار مسلمین، قیام با شمشیر و جهاد علیه دشمن اسلام است. نجاشی بر امامی بودن اطروش تصریح کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۵۷).

حکومت آل بویه در نیمه اول قرن چهارم از ناحیه دیلم برخاست. آل بویه دیلمیانی از لاهیجان بودند که نخستین بار با خدمت در لشکر حسن بن زیدبن علی معروف به «الناصر الی الحق» و حسن بن قاسم معروف به «داعی صغیر» به فرماندهی رسیدند (مادلونگ، ۱۳۷۷: ۹۹). در زیدی یا امامی بودن آل بویه اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از علما مانند عبدالجلیل رازی، ابن جوزی و ابن کثیر بر امامی بودن آل بویه تصریح کرده‌اند (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۴۵؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۵۷؛ ابن کثیر، [بی‌تا]: ۳۲۸). اشپولر معتقد است که آل بویه از ابتدا شیعه دوازده‌امامی بودند و تا آخر نیز به عقیده خود وفادار مانده بودند (اشپولر، ۱۳۶۹: ۳۶۳). دلیل

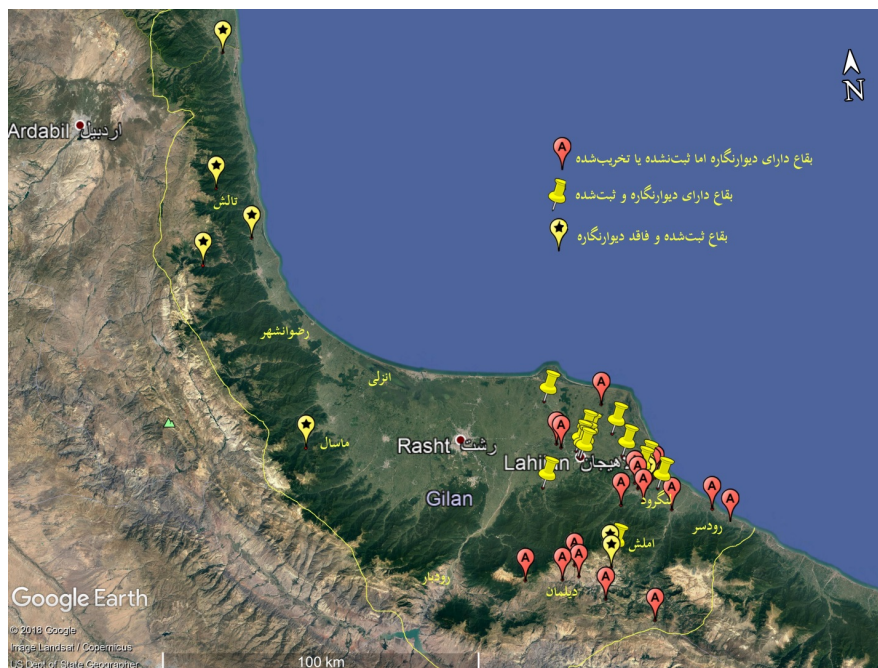
دیگر بر امامی بودن آل بویه، کتیبه عضدالدوله در تخت جمشید با ذکر اسامی دوازده امام معصوم (ع) است. البته نویسندگان زیادی از جمله قاضی نورالله شوشتری بر این باورند که: مذهب شیعیان طبرستان و گیلان از زمان ناصرالحق تا ظهور شاه‌عباس اول صفوی، زیدی جارودی بوده است (شوشتری، ۱۳۷۷: ۹۶). در میان اهالی دیلم علاوه بر مذهب زیدیه، مذاهب دیگر نظیر شیعه اسماعیلیه نیز فعالیت مذهبی داشتند. اسماعیلیه یکی از فرقه‌های شیعه است که در قرن دوم قمری پدیدار شد و سپس به شاخه‌هایی تقسیم شدند.

اسماعیلیان امامت را به نص می‌دانستند، اما درباره سلسله امامان پس از امام صادق (ع)، با پیروان آن امام دچار اختلاف شدند. این فرقه، به جانشینی اسماعیل بعد از امام جعفر صادق (ع) باور داشتند. در واقع، حاضر به پذیرش امامت امام موسی کاظم (ع) نیستند. گروهی از اسماعیلیه به نام «قرامطه» معتقدند محمد بن اسماعیل پس از امام صادق (ع)، هفتمین و آخرین امام بوده است و به همین سبب اسماعیلیه عموماً به نام «سبعیه» یا «هفت امامی» نیز شهرت دارند. اسماعیلیان بر اساس عقایدی که داشتند به گروه‌های مختلفی تقسیم و در سرزمین‌های اسلامی پراکنده شدند. حسن صباح نهضت نزاریه را بنیان گذاشت و پایگاه خود را در قلعه‌های مستحکم کوهستانی سلسله جبال البرز، به خصوص الموت قرار داد. اسماعیلیان نزاری با وجود فشارها و حملات ممتد سلجوقیان به قلاع و پایگاه‌های نزاریان، ۱۷۱ سال دعوتشان را با موفقیت در شهرها و نواحی کوهستانی ایران ترویج دادند و در نهایت توسط مغولان نابود شدند. به نظر می‌رسد امامت و کل جماعت اسماعیلیان نزاری در ایران، به دست مغولان نابود نشد، بلکه گروه‌های پراکنده‌ای از نزاریه در دیلم و قهستان باقی ماندند (دفتری، ۱۳۷۷: ۶۸۱/۸ - ۷۰۲). اسماعیلی‌ها در زمان قدرت‌گیری آل کیا، به عنوان رقیب سیاسی و مذهبی آنها مطرح شدند (مرعشی، ۱۳۴۷: ۵۸). آل کیا بر پایه نیروی مادی و معنوی مذهب زیدیه، قدرت را به دست گرفتند و در ابتدا نیز تلاش زیادی برای اشاعه این مذهب در گیلان کردند، اما بعد از اعلام مذهب دوازده‌امامی به عنوان مذهب رسمی کشور توسط شاه‌اسماعیل صفوی، گیلان نیز از این تصمیم بی‌نصیب نماند. «خان احمدخان» حاکم لاهیجان که زیدی‌مذهب بود، در حضور شاه‌طهماسب از مذهب زیدی دست کشید و مذهب دوازده‌امامی را پذیرفت و مردم نواحی شرق گیلان را نیز به این مذهب ترغیب کرد (روملو، ۱۳۵۷: ۲۵۸). بنا بر اسناد و نامه‌های باقیمانده، خان‌احمد به

دشمن سرسخت مذهب زیدیه تبدیل شد و به سرکوب هم‌کیشان خود پرداخت. در نامه‌ای که خان احمدخان به شخصی به نام «میرجلیل قاری گوگه‌ای» نوشته بود، مخالفت شدید خود با زیدیه را نشان داده و تأکید کرده بود که از کشتن زیدیه ترسی ندارد و آنها را کافر، در نتیجه قتلشان را مباح می‌داند (نوزاد، ۱۳۷۳: ۱۸۵). از تاریخ دقیق ورود اسلام به مناطق غربی گیلان یا «بیه پس» اطلاع چندانی نداریم، اما واقعیت این است که شیعیان به مناطق غرب گیلان وارد نشدند و مردم این ناحیه در تاریخی که چندان مشخص نیست، با اسلام سنی آشنا شدند و آن را پذیرفتند. ناحیه «بیه پس» گیلان همزمان با حکومت آل کیا، بر مذهب اهل سنت باقی ماندند که ولایات کوچصفهان نیز شامل آن می‌شد (لاهیجی، ۱۳۵۲: ۱۲۹). رایینو مردم ناحیه جلگه «بیه پیش» و «لشته نشا» را شیعه زیدی؛ و ساکنان «بیه پس» را سنی حنبلی و ساکنان کوچصفهان را شافعی دانسته است (رایینو، ۱۳۵۷: ۲۶). «لشته نشا» جزئی از کوچصفهان بود که ساکنان آن پیرو مذهب شیعه زیدی و با حاکم سنی مذهب خود مخالف بودند؛ به همین دلیل زمانی که سیدعلی کیا بر مسند حاکمیت لاهیجان نشست، از او خواستار الحاق «لشته نشا» به لاهیجان شدند (مرعشی، ۱۳۴۷: ۴۵). شاه‌عباس اول صفوی سختگیری‌های زیادی بر مناطق مختلف گیلان روا داشت و بسیاری از حکومت‌ها و خان‌های محلی را از بین برد و مذهب شیعه دوازده‌امامی را به عنوان مذهب رسمی این مناطق اعلام کرد، اما این فرمان نیز باعث استقرار کامل مذهب شیعه در تمام مناطق گیلان نشد. با توجه به پیشینه مذهب شیعه در مناطق شرقی گیلان از جمله لاهیجان و دیلمان، جای شگفتی نیست که تمام بقعه‌های حاوی نقوش دیواری را در این مناطق نیز داشته باشیم (نقشه ۱).



نقشه ۱: مکان‌یابی بقاع حاوی دیوارنگاره در نقشه گیلان (منبع: نگارندگان)



نقشه ۲: مکان‌یابی بقاع شاخص در نقشه گیلان (منبع: نگارندگان)

بقعه‌های گیلان

در مناطق مختلف گیلان بیش از ششصد بقعه وجود دارد که این بقاع از غرب تا شرق پراکنده‌اند. ساختمان بقعه‌ها شباهت زیادی با بناهای مسکونی دارد و شامل بناهایی با یک یا دو اتاق با سقف چهارشیبه (چارکله) با ایوان در اطرافش است که عموماً بر روی کرسی ساخته شده‌اند. تمام بقاع دارای نقاشی، در مناطق شیعه‌نشین قرار گرفته‌اند. علمای مسلمان از سنی و شیعه، عمل نقاشی در بازنمایی موجودات زنده را تحریم کرده‌اند و به نظر آنان نقاش با به تصویر درآوردن مقدسان، تنها بار ملعنت خود را سنگین‌تر می‌کند. سنت اسلام که بازنمایی موجودات زنده را به عنوان نوعی مداخله در قدرت الهی تحریم می‌کرد، نتوانست گزینه و استعداد هنری ایرانی را سرکوب کند و شاهزادگان ایرانی نیز ایرادی در حمایت از هنرمندان نمی‌دیدند (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۲۲۲۱). در گیلان، اهل سنت منع تصویرگری را در بقاع خود رعایت کردند، اما شیعیان تسامح بیشتری در این زمینه به خرج دادند. از عواملی که تأثیر زیادی بر روی نقوش بقعه‌ها گذاشته، مرثیه‌سرایی و برگزاری مراسم تعزیه در

مناطق مختلف گیلان بوده است. مرثیه‌سرایی ویژه شاعران شیعه است. با روی کار آمدن دولت صفوی و رسمیت یافتن تشیع و نزدیکی حکومت و دیانت، جریان سرودن اشعار مذهبی درباره واقعه کربلا گسترش بسیاری یافت. محتشم کاشانی (۹۰۵-۹۹۶ق) معروف‌ترین شاعر مرثیه‌سرای ایران است و بدون شک تأثیر بسزایی در نهضت مرثیه‌سرایی و جذب شاعران به سوی مضامین مذهبی داشته است. در بسیاری از بقعه‌ها برخی از اشعار وی نقش بسته است. برگزاری مراسم تعزیه در گیلان، از سابقه بسیار طولانی برخوردار است. بنا بر گزارش منابع تاریخی، طی فرمانی از معزالدوله دیلمی در قرن چهارم قمری مراسم سوگواری فاجعه کربلا به رسمیت شناخته شد و به مراسم نمایشی «شیشه» تحول و تکامل یافت (ملک‌پور، ۱۳۶۳: ۲۱۲). مراسم سوگواری و دسته‌گردانی‌های دوره دیلمیان را که در آنها شیشه‌های صامتی همراه دسته‌های عزادار بوده است، آغاز پیدایش تعزیه می‌دانند (شهیدی، ۱۳۸۰: ۶۲). بعضی از صحنه‌هایی که در تعزیه اجرا می‌شود، بدون هیچ تفاوتی در نقوش بقعه‌های گیلان به کار رفته است. موضوع اصلی در نقوش بقعه‌ها، شرح واقعه کربلاست. نمودهایی از فرهنگ عاشورای حسینی و مصایب امام حسین(ع)، رفته‌رفته در همه زوایای رفتارهای زندگی اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و تفکرات و جنبش‌های سیاسی مردم بازتاب یافت و به صورت‌های نمادین در مناسک و باورهای مذهبی-آیینی، زمینه‌های ادبی و هنری، آیین‌های سوگواری، نمایش‌های آیینی تعزیه، مرثیه‌سرایی، مقتل‌نویسی، موسیقی مذهبی، شمایل‌نگاری، معماری و خوشنویسی جلوه‌گر شد.

از جمله موضوعاتی که در بقعه‌ها به تصویر درآمده، صف پیامبران پیشین، فرشته‌ها و اجنه برای یاری رساندن به امام حسین(ع) در صحرای کربلاست (تصویر ۱). روایاتی وجود دارد که امام حسین(ع) را با انبیای پیشین پیوند داده است؛ از جمله این روایت که اولین کسی که بر قاتل امام لعنت فرستاده، ابراهیم خلیل بوده است و پس از وی، به ترتیب موسی(ع)، داوود(ع) و عیسی(ع) چنین کرده‌اند (ابن قولویه، ۱۴۱۷: ۱۴۲-۱۴۳). همچنین ابن‌کثیر گفته است که در روز عاشورا آسمان خونین‌فام شد و خاکستر و خون بارید. همه جانداران در خشکی، دریا و آسمان و نیز فرشتگان و جنیان گریه و شیون سر دادند (ابن‌کثیر، [بی‌تا]: ۲۱۹). به اعتقاد شیعیان، «زعفر» یا «جعفر» (پادشاه جنیان) روز عاشورا برای یاری دادن به امام حسین(ع) در کربلا ظاهر می‌شود، اما امام اجازه جنگیدن به او نمی‌دهد (شهیدی، ۱۳۸۰: ۹۸). در نقوش بقعه‌ها، پیشاپیش سپاه جنیان زعفر جنی قید شده است.



تصویر ۱: حضور پیامبران، فرشته‌ها و اجنه برای یاری دادن به امام حسین (ع). بقعه آقا سیدابراهیم، روستای باباجان دره، املش (عکس از نگارندگان)

قیام مختار

از موضوعات دیگری که به وضوح در بیشتر بقعه‌های گیلان نقش شده، صحنه انتقام‌گیری مختار است که بعد از مرگ امام حسین (ع) و یارانش روی داد (تصویر ۲). مختار بن ابی‌عمید ثقفی یکی از مشهورترین بیعت‌کنندگان با مسلم بن عقیل بود، اما هنگام نبرد امام حسین (ع) در صحرای کربلا، توسط ابن‌زیاد دستگیر شد و در زندان به سر می‌برد (طبری، ۱۴۰۸: ۳۶۹). مختار برای خون‌خواهی امام حسین (ع)، در کوفه به جمع‌آوری سپاه پرداخت. طبق برخی روایات، قیام مختار با نظارت امام سجاد (ع) بوده است. مختار توانست پس از پیروزی، حکومت کوتاه‌مدتی را تشکیل دهد. وی در طول زمان توانست با کشتن برخی از قاتلان امام و یاران وی، انتقام واقعه کربلا را بگیرد (حاج‌منوچهری، ۱۳۹۱: ۶۸۷). انتقام‌گیری مختار، در بقعه‌ها به صورت مثله

کردن، قطعه قطعه کردن، سوزاندن و به دار آویختن گناهکاران نقش شده است.



تصویر ۲: انتقام مختار. امامزاده ابراهیم، باباجان دره املش و بقعه پیر شمس الدین در روستای «لاشیدان حکومتی» لاهیجان (عکس از نگارندگان)

«علم» و نقش انواع پرندگان به خصوص کبوتر، از موتیف‌های حاشیه‌ای و پرکننده بین نقوش اصلی در بقعه‌ها است. علم‌ها بعد از رواج تشیع در زمان شاه اسماعیل صفوی، در دسته‌ها مورد استفاده قرار گرفت. علم، چوب بلندی به ارتفاع شش متر است که سر آن پنج‌ای برنجین می‌گذارند و پارچه‌های رنگین به چوب می‌بندند. گاهی عرض این علم‌ها به سه متر می‌رسیده و غالباً یازده زبانه داشته که زبانه وسطی بزرگ‌تر از بقیه بوده است. حد فاصل زبانه‌ها را هم با اشیای فلزی که به شکل کبوتر، طاووس، لاله و گنبد و بارگاه ساخته شده بود، پر می‌کردند. همچنین گاهی اوقات فرم‌ها و علامت‌های دیگری به شکل شیر، اژدها، تبر، کشکول و دست بر روی علم به کار می‌رفت. هر یک از این فرم‌ها و علامت‌ها سمبل چیزی است. پنجه را سمبل دو دست بریده حضرت ابوالفضل (ع) می‌دانند. حضرت ابوالفضل عباس (ع) برادر امام حسین (ع)، در روز عاشورا از سوی امام (ع) مأموریت یافت از شریعه برای

یاران و خاندان آب بیاورد. در همان جا در نبرد با نگهبانان شریعه، نخست دستان خود را از دست داد و سپس به شهادت رسید (بهرامیان، ۱۳۹۱: ۶۷۵). پنجه را نیز نشانه پنج تن آل عبا می‌دانند که شامل حضرت محمد(ص)، حضرت علی(ع)، حضرت فاطمه(س)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) است. در بقعه‌های گیلان، کبوترهای سفید را به کنایه کفن سپید خون‌آلود یاران امام حسین(ع)، به صورت خون‌آلود و با رنگ قرمز نقش کردند. این کبوتران حامل خبری خون‌بار و واقعه‌ای ناگوار برای سرزمین‌های دوردست می‌باشند (تصویر ۳).



تصویر ۳: بقعه آقا سیدحسین در لاهیجان (عکس از نگارندگان)

معراج پیامبر اکرم(ص) همراه با براق

یکی از مضامینی که به زیبایی هر چه تمام‌تر در بقعه‌های گیلان به تصویر درآمده، معراج

پیامبر اکرم (ص) است (تصویر ۴ تا ۷). صریح‌ترین اشاراتی که دربارهٔ این رویداد در منابع دینی آمده، نص صریح قرآن (سوره اسراء و نجم) است. این واقعه در دوره‌های مختلف دست‌مایهٔ کار شعرا، نویسندگان، عرفا و هنرمندان نقاش و نگارگر قرار گرفته است.

نخستین نگاره‌های معراج را باید به دورهٔ ایلخانیان و کتاب جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی و نیز معراج‌نامهٔ احمد موسی در سده هشتم قمری منتسب دانست (شین دشتگل، ۱۳۸۹: ۲۴۴). معراج‌نامهٔ میرحیدر، نمایندهٔ بارز معراج‌نگاری عصر تیموری است. در این نسخه، فرشتگان مانند زنان جوان با صورت‌های گرد، چشمان سیاه درشت و ابروانی کمانی نشان داده شده‌اند (سگای، ۱۳۸۵: ۲۶). صحنهٔ معراج پیامبر اکرم (ص)، در نسخه‌ای از کتاب نظامی در موزهٔ بریتانیا موجود است که طی سال‌های ۹۴۶-۹۵۰ ق. برای شاه‌طهماسب صفوی تهیه شده بود. نقاب و حجاب پیامبر و هالهٔ درخشان دور سر او، حاکی از توجه شاه‌طهماسب به موضوع مهم معراج و نشان دهندهٔ مطابقت مفهوم آیات قرآنی و این سفر خاص پیامبر است. این خصوصیات می‌تواند نشان دهندهٔ سیاست دائمی حاکمان صفوی در نوع به تصویر کشیدن روحانیت و الوهیت نهفته در سفر معراج پیامبر باشد. صفویه معنویت و روحانیت را در تصاویر گسترش دادند که هم‌زمان می‌تواند به عنوان روش دنیوی در گسترش مذهب شیعه قلمداد شود (شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۱۴۱).

پیدایش «روی‌بند» را می‌توان از عناصر شاخصی دانست که علت آن در اعتقادات خاص شیعه‌گری این دوره ریشه دارد؛ هرچند که برخی پژوهشگران معتقدند در این بستر فرهنگی-اجتماعی، حجاب چهرهٔ پیامبر بیشتر به سبب انگیزه‌های تبلیغاتی بوده است نه ممنوعیت‌های دینی (گروبر، ۱۳۸۹: ۱۵). عنصر مهم دیگری که در خلال این تحولات و شدت گرفتن گرایش‌های شیعی می‌توان دید، نقش شیر است. صحنه‌ای از معراج پیامبر در حال ملاقات با شیر و اعطای انگشتری، در فال‌نامهٔ شاه‌طهماسب مربوط به نیمهٔ سده دهم قمری نقش شده است (شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۱۴۳). کهن‌ترین تصویر دیواری معراج در عصر قاجار، مربوط به تاریخ ۱۲۴۶ ق. و منقوش در مقبرهٔ «مقام عباس» در شوشتر خوزستان است (فلور، ۱۳۹۴: ۱۵۱). نقش معراج پیامبر (ص) در بقعه‌های گیلان، تقریباً شبیه یکدیگر و با اندک تفاوت در جزئیات و تزئینات و به صورت پیامبر سوار بر براق، جبرئیل در روبه‌روی پیامبر و گاهی نقش یک یا دو فرشتهٔ دیگر در اطراف صحنه است. در تمام صحنه‌های معراج، پیامبر در حال تقدیم انگشتری به شیری است که در جایگاهی پایین‌تر از پیامبر و

براق قرار گرفته است. این شیوه قرارگیری، نشان از مرتبت والای پیامبر دارد. اعطای انگشتری از سوی پیامبر به شیر، از حق ولایت و خلافت حضرت علی(ع) حکایت دارد. علاوه بر این، حضور عناصر سماوی از جمله نقش ماه و ستاره، نماینده آسمان و تأکیدی بر ماهیت غیرزمینی این واقعه بوده است. از نکات جالب توجه، مدل آرایش قاجاری در چهره براق و فرشتگان دیگر، خورشید و ستارگان، به صورت داشتن تاج قجری و آرایش موی سر و نیز پیوستگی ابروان و گاهی خال چهره است (تصویر ۸).

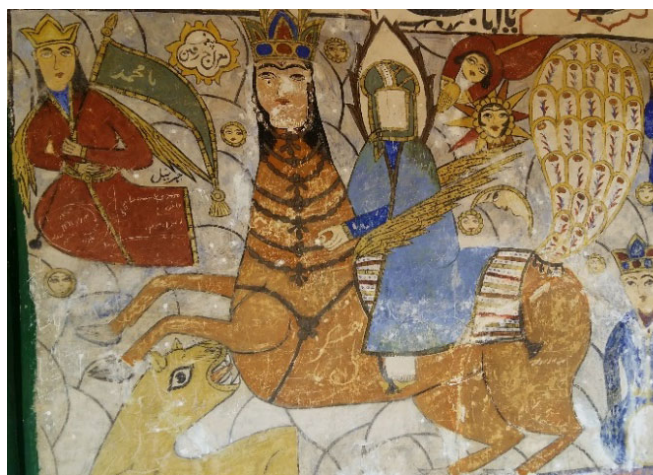
در اینجا این سؤال به ذهن می‌رسد که نقش معراج پیامبر(ص) در کنار نقش امام حسین(ع) و واقعه کربلا نشانه چیست؟ فضایل و کرامات زیادی به امام حسین(ع) نسبت داده‌اند؛ از جمله نزول جبرئیل بر پیامبر(ص) برای تبریک فرزندی که به دست امتش شهید می‌شود. یا آوردن خاک کربلا برای پیامبر(ص) در وصف مکانی که کودک نورسیده در آن به شهادت خواهد رسید و ناراحتی فرشتگان نزد پرودگار برای شهادت مظلومانه این کودک. همچنین در باوری ویژه و خاص نزد شیعیان بخش‌هایی از اندونزی، ارتباطی میان شهادت امام حسین(ع) و اسراء حضرت رسول(ص) در قالب اندیشه حضور براق مرکوب حضرت، نمود یافته است. بر پایه این باور، با شهادت و جدا شدن سر امام حسین(ع)، براق حضور می‌یابد و سر را به سمت بهشت حمل می‌کند، اما یاران حضرت به دلیل عشق به امام مانع از این کار می‌شوند. براق با دیدن این علاقه، سر را نزد آنان بازمی‌گرداند (حاج منوچهری، ۱۳۹۱: ۶۸۱، ۶۸۹). بدین ترتیب، این روایات باعث شده تا نقاش در ذهن خود، واقعه کربلا را به گونه‌ای با معراج پیامبر(ص) ارتباط دهد.



تصویر ۴: نقش معراج پیامبر سوار بر براق، در بقعه آقا سیدرضا داور کیا؛ در بیجار بنه لاهیجان (عکس از نگارندگان)



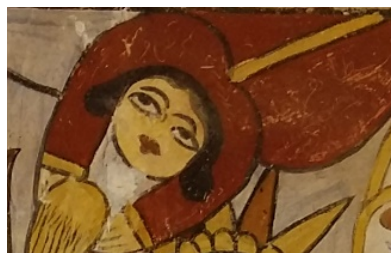
شکل ۵: معراج پیامبر در بقعه آقا سیدمحمد؛ در روستای پینجا آستانه اشرفیه (ستوده، ۱۳۷۴: ۱۸۸)



شکل ۶: معراج پیامبر، بقعه امامزاده ابراهیم در روستای باباجان دره املش (عکس از نگارندگان)



شکل ۷: معراج پیامبر بر دیوار خارجی بقعه بابا ولی دیلمان (ستوده، ۱۳۷۴، تصویر شماره ۲۰: ۵۷).



تصویر ۸: آرایش قاجاری در تزئین چهره براق و فرشتگان و اجرام سماوی، معراج پیامبر؛ بقعه امامزاده ابراهیم در روستای باباجان دره املش (عکس از نگارندگان)

حضرت علی(ع)

در همهٔ جوامعی که فرهنگ شیعی حاکم است، حضرت علی(ع) به عنوان یکی از شخصیت‌های قهرمان و دوست خدا و رسول اکرم(ص) به شمار می‌رود. در مورد حضرت علی مردم شیعه معتقدند قدرت روحانی و جسمانی از خداوند سرچشمه گرفته است و او به اصول اساسی اسلام آگاهی کامل دارد. یکی از موتیف‌های تزئینی در بقعه‌ها که به‌طور مستقیم به حضرت علی(ع) اشاره دارد، تصویر حضرت علی(ع) با شمشیر مشهورش ذوالفقار است (تصویر ۹). شمشیر - به‌خصوص شمشیر دو لبه - نشان دهندهٔ نمادهای مختلفی از جمله قدرت است.

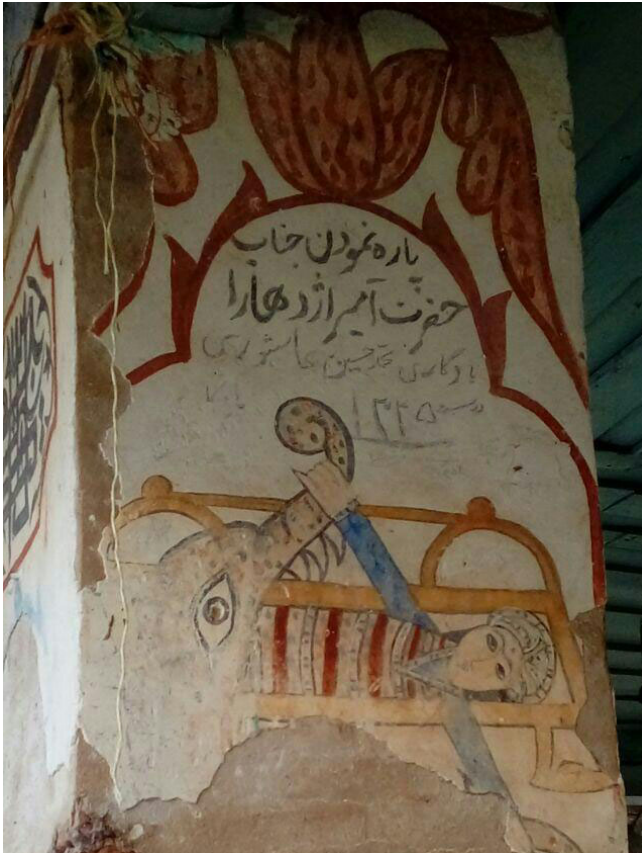
از موضوعات دیگری که در ارتباط با اعمال خارق‌العاده به حضرت علی(ع) نسبت می‌دهند و امروزه نقش آن تنها در یک بقعه (بقعهٔ آقا سید محمد یمنی در «لیچا لشت نشاء»؛ تصویر ۱۰) باقی است، جنگ او با اژدها است. اژدها در فرهنگ ایران به عنوان مظهر شرارت، بدی و رذیلت‌های اخلاقی به شمار می‌رود. حتی در *اوستا* نیز دو پیکره از اژدها بیشتر از همه مورد تنفر واقع شده است. یکی اژدهای «سُرور» (اژدهای شاخدار) و دیگری «اژی‌دهاک» که در «اردیبهشت یشت» به آن اشاره شده است (کوباجی، ۱۳۷۹: ۲۰۸). اژدها به عنوان یک نماد شیطانی، با مار همسان می‌شود. ذابح اژدها مقام مقدس قربانی کننده را دارد. او خشم خداوند را آرام می‌کند و با آن هم‌ذات می‌شود (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸: ۱۲۴). گرشاسب از پهلوانان اوستایی، تجسمی از آرمان پهلوانی دوران هند و ایرانی است که اژدهای شاخدار زهراگین اسب اوبار» و مردم «خوار» یا «اژی سروور» را می‌کشد (بهار، ۱۳۷۵: ۲۳۹).

در *اوستا* اژدهایی سه کله، سه پوزه و شش چشم است که می‌خواهد جهان را از مردمان تهی کند و گویا تا حدودی این کار را انجام می‌دهد و بر زمین چیره می‌شود، اما فریدون سرانجام بر او می‌شورد، با وی نبرد می‌کند و او را از میان برمی‌دارد. می‌توان گمان برد که ضحاک در *اوستا* دقیقاً اژدهای مخوفی است که مانند برابر خود در وداها - ویشوهروپه سه‌سر - گاوها را می‌دزد و شاهان و پهلوانان با این اژدهاکشی، کار ویژه خود، یعنی برکت‌بخشی را انجام می‌دهند (بهار، ۱۳۷۵: ۱۹۰). گرشاسب و فریدون در اساطیر و افسانه‌های ایرانی به عنوان پهلوانان اژدهاکش مطرح بودند، اما پهلوان اژدهاکش در فرهنگ

اسلامی، حضرت علی(ع) است. نگاره نبرد حضرت علی(ع) با اژدها، مربوط به نسخه خاوران‌نامه ابن حسام است که به تقلید از شاهنامه فردوسی، در زمان قراقویونلوها سروده شده است. از نظر شیعیان، حضرت علی(ع) دارای شخصیتی عظیم، متعالی و چندبُعدی است. در این نسخه، در کنار بُعد حقیقی شخصیت حضرت، بُعد اسطوره‌ای او نیز نشان داده شده و به نظر می‌رسد هدف از بیان داستان‌ها، تحکیم ایمان مردم و برانگیختن حس تحسین شیعیان و دوستان آل علی(ع) بوده است که بنا به پسند عوام، در آن روزگار در کنار حوادث تاریخی، سخن از جنگ با اژدها و دیو نیز به میان آمده است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۵: ۴۲).



تصویر ۹: حضرت علی(ع) به همراه شمشیر ذوالفقار؛ بقعه آقا سیدحسین در لنگرود (عکس از نگارندگان)



تصویر ۱۰: حضرت علی (ع) در حال جنگ با اژدها؛ بقعه آقا سید محمد یمنی در لیچا لشت نشا، (عکس از نگارندگان)

امام موسی (ع) در زندان هارون

یکی از مضامینی که بدون ارتباط با واقعه کربلا در بقعه‌ها مطرح شده، امام موسی (ع) در زندان هارون است (تصویر ۱۱). نقاش بدون توجه به زمان و مکان وقوع حوادث، سعی در بازنمایی ناملایماتی دارد که در طول دوران، بر سر خاندان پیامبر (ص) آمده است. امام کاظم (ع) بیشتر دوران امامتش را در زندان‌های خلفای عباسی از جمله مهدی و هارون سپری کرد. در منابع تاریخی، به شکنجه امام در زندان‌های هارون اشاره شده است. دلایل زندانی شدن امام از سوی خلفای عباسی متفاوت است، اما گفته شده است که خلفای عباسی

به‌خصوص هارون نسبت به ارتباط شیعیان با امام کاظم(ع) حساس بود و از اینکه اعتقاد شیعیان به امامت آن حضرت باعث تضعیف حکومت آنان شود، بیم داشت (صدوق، ۱۳۷۲، ۱۰/۱). در بقعه امامزاده ابراهیم باباجان دره املش، امام موسی(ع) پای در بند به تصویر کشیده شده است، در حالی که افرادی به ملاقات او آمده‌اند. نقاش با ذکر نام موسی بن جعفر در زندان هارون و نیز نوشتن حکیم فرنگی، به معرفی هرچه بیشتر صحنه کمک کرده است.



تصویر ۱۱: امام موسی(ع) در زندان هارون؛ امامزاده ابراهیم در روستای باباجان دره املش (عکس از نگارندگان)

امام رضا(ع)

امام رضا(ع) به عنوان ضامن آهو در احادیث و روایات معروف است. در بسیاری از بقعه‌های گیلان امام رضا(ع) نشان داده شده است؛ در حالی که از آهو در مقابل شکارچی حمایت می‌کند (تصویر ۱۲ و ۱۳). از صفات بارز امام رضا(ع) مخالفت با جنگ و اسارت است. در اینجا جنگ بین صیاد و آهوست. امام رضا(ع) خود را به عنوان گروگان به صیاد می‌سپارد تا آهو برای شیردادن به فرزندانش آزاد شود. مورخان چنین داستانی را در مورد حضرت پیامبر(ص) نیز نقل کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۷). نجات جان آهو توسط امام رضا(ع) را نویسندگان به طرق دیگری نیز مطرح کردند؛ از جمله آنکه شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ق) در کتاب *عیون الاخبار الرضا* (صدوق، ۱۳۷۲: ۲۰۴)، فاضل بسطامی نویسنده *فردوس التواریخ* و همچنین نویسنده *ناسخ التواریخ*، پناه بردن آهو را به مرقد امام رضا(ع) دانسته‌اند (میرآقایی، ۱۳۹۱: به نقل از سپهر). این داستان نمود زیادی در شعر فارسی، از جمله در آثار

تاج‌الدین حسن بن سلیمی تونی (متوفای ۸۵۴ق)، نظیری نیشابوری شاعر قرن دهم و یازدهم قمری، محمد یزدی متخلص به «جیحون» شاعر قرن سیزدهم و غیره داشته است. در این اشعار، امام رضا(ع) به عنوان ضامن آهو نام برده شده است (میرآقایی، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۸). این موتیف منبع الهام هنرمندان نقوش دیواری، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، نگارگری و مینیاتور شد.



تصویر ۱۲: امام رضا(ع) در حال شفاعت آهو؛ بقعه آقا سیدرضا داور کیا در بیجار بنه لاهیجان (عکس از نگارندگان)



تصویر ۱۳: امام رضا(ع) در حال شفاعت آهو؛ امامزاده ابراهیم در روستای باباجان دره املش (عکس از نگارندگان)

نتیجه‌گیری

مردم گیلان از حدود سده سوم قمری تا اوایل سده دهم یعنی تا آغاز استقرار حکومت صفویه، پیرو مذهب شیعه زیدیه، جارودیه و تا حدودی اسماعیلیه و امامیه بودند. رواج اندیشه زیدی حدود شش قرن در گیلان در نقاشی‌های بقاع اثرگذار بوده است. گفتنی است دیدگاه زید گرایشی از اسلام بود که تندروی‌هایی را در مبارزات و رهبری سیاسی جامعه به همراه داشت؛ تا آنجا که یکی از مبانی عقیدتی زیدیه قیام بالسیف یا جهاد مسلحانه بود و ستایشگر شجاعت‌ها و رشادت‌ها بودند. در ادامه راه علویان در گیلان، آل بویه شیعه‌مذهب بودند که از منطقه دیلمان برخاستند و شروع به زنده نگه داشتن یاد شهدای واقعه کربلا کردند. البته بقعه یا بنای آرامگاه معینی از عهد آل بویه در گیلان باقی نمانده است تا با چگونگی تزئینات و دیوارنگاری‌های احتمالی آن آشنا شویم. نکته مسلم آن است که شرایط پدید آمدن چنین مضمون‌هایی در دوره حاکمیت آل بویه مهیا بوده است.

تمام بقاع حاوی نقاشی در مناطق شرقی گیلان، در بیه پیش (شرق رودخانه سفیدرود) قرار دارند. در دوره قاجار استقرار کامل مذهب شیعه دوازده‌امامی در این مناطق انجام شده است؛ زیرا میزان تأثیرگذاری متون و باورهای عامیانه شیعی در نقوش بسیار زیاد بوده و این مضامین در راستای نیازهای معنوی و گسترش عقاید شیعه مردم منطقه و تمنای شفاعت شکل گرفته بوده است. نخستین دریافتی که از نقوش بقعه‌های گیلان به دست می‌آید، حاکی از رخدادهایی است که در روز عاشورا در صحرای کربلا اتفاق افتاده است. در کنار این، تصاویر دیگری با مضمون شرح شجاعت و اعمال خارق‌العاده منتسب به حضرت علی(ع)، اعلام جانشینی وی از جانب پیامبر اکرم(ص)، بیان داستان‌های مربوط به ائمه(ع) و آزاری که قریش بعد از مرگ حضرت خدیجه(س) و پیامبر اکرم(ص) بر حضرت فاطمه(س) روا داشتند، وجود دارد. شیعیان این مناطق مانند مانی، از تصویرگری برای انتقال و ثبت آموزه‌های دینی استفاده می‌کردند. در مناطق غربی گیلان یا بیه‌پس که تحت حکمرانی خاندان «اسحاق‌وند» سنی‌مذهب قرار داشت، بقعه حاوی نقوش دیواری دیده نمی‌شود. این تفاوت به عقاید فکری و مذهبی اهل سنت و شیعه برمی‌گردد.

منابع و مأخذ

- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن (۱۳۸۹)، *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲)، *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق عبدالقادر عطاء، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن قولویه، جعفر (۱۴۱۷)، *کامل الزیارات*، به کوشش جواد قیومی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر [بی تا]: *البدایة و النهایة*، تحقیق احمد ابوملحم و دیگران، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- احمد بن حنبل (۱۴۱۶ ق)، *مُسند الإمام أحمد بن حنبل*، مؤسسة الرسالة، بیروت - لبنان.
- اشپولر، برتولد (۱۳۶۹)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- الهی، محبوبه (۱۳۷۷)، *تجلی عاشورا در هنر ایران*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- برک، پیتیر (۱۳۸۹)، *تاریخ فرهنگی چیست؟*، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، ناشر: تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۷)، *از اسطوره تا تاریخ*، گردآوری ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: نشر چشمه.
- ----- (۱۳۷۵)، *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: نشر آگاه.
- بهرامیان، علی (۱۳۹۱)، «حسین (ع)، امام»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۲۰، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- پاکنچی، احمد (۱۳۸۰)، «امامیه»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۰، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- پوپ، آرتور آپهام و فیلیس آکرمن (۱۳۸۷)، *سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)*، ترجمه زهرا باستی، زیر نظر نجف دریابندری و دیگران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حاج منوچهری، فرامرز (۱۳۹۱)، «حسین (ع)، امام»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۲۰، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- حکیمیان، ابوالفتح (۱۳۴۸)، *علویان طبرستان*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دفتری، فرهاد (۱۳۷۷)، «اسماعیلیه»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۸، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- رایینو، ه. ل. (۱۳۵۷)، *ولایات دارالمرز ایران: گیلان*، ترجمه جعفر خمایی زاده، رشت: انتشارات طاعتی.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷)، *احسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: نشر بابک.

- ستوده، منوچهر (۱۳۷۴)، *از آستارا تا آستارباد*، ج ۲، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- سجادی، سید صادق (۱۳۹۴)، *دولت‌های علوی در ولایات شمال ایران، تاریخ جامع ایران*، تهران: انتشارات مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- سگای، ماری رز (۱۳۸۵)، *معراج‌نامه (سفر معجزه‌آسای پیامبر(ص))*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- شاد قزوینی، پریسا (۱۳۹۳)، «تجلی باورهای شیعی در مضامین عاشورایی دیوارنگاره‌های بقاع متبرک گیلان»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، س ۱۲، ش ۴۵، صص ۱۳۱-۱۵۶.
- شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۴)، *هنر شیعی (عناصر هنر شیعی در نگارگری و کتیبه‌نگاری تیموریان و صفویان)*، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- شوالیه، ژان ژاک و آلن گریبان (۱۳۸۸)، *فرهنگ نمادها*، ترجمه سودابه فضایی، ج ۳، تهران: انتشارات جیحون.
- شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۷۷)، *مجالس المؤمنین*، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- شهرستانی، محمدبن عبدالکریم (۱۳۷۵ق)، *الملل و النحل*، به کوشش محمد بدران، الشریف الرضی، قم.
- شهیدی، عنایت‌الله (۱۳۸۰)، *پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- شیخ صدوق (۱۳۷۲)، *عیون اخبار الرضا*، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی‌اکبر غفاری، مشهد: نشر صدوق.
- شین دشتگل، هلنا (۱۳۸۹)، *معراج‌نگاری نسخه‌های خطی تا نقاشی‌های مردمی؛ با نگاهی به پیکرنگاری حضرت محمد(ص)*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۷)، *زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام*، ترجمه عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلام.
- طبری، محمدبن جریر (۱۴۰۸ق)، *تاریخ الامم و الملوک؛ دارالکتب العلمیه*، بیروت.
- فلور، ویلم (۱۳۹۵)، *نقاشی دیواری در دوره قاجار*، ترجمه علیرضا بهارلو، تهران: انتشارات پیکره.
- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: نشر زوار.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸)، *التقض؛ بعض مطالب النواصب فی تقض بعض فضائح الروافض*، تصحیح میر جلال‌الدین محدث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی.
- کلانتر، علی‌اصغر (۱۳۸۸)، «بازتاب باورهای شیعی در بناهای مذهبی مازندران تا پایان دوره قاجاریه»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شاهد تهران.
- کوباجی، جی. ک (۱۳۷۹)، *آیین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان*، ترجمه جلیل دوست‌خواه، تهران: علمی و فرهنگی.
- گروبر، کریستینه (۱۳۸۹)، «هفت قرن مصورسازی معراج حضرت محمد (ص)» در کتاب قضای بی زوال: نگاهی تطبیقی با تصاویر چاپ سنگی معراج پیامبر (ص)، به کوشش علی بوذری، ترجمه: فاطمه فقیهی،

دستان، تهران.

- لاهیجی، علی بن شمس‌الدین بن حاجی حسین (۱۳۵۲)، تاریخ‌خانی، شامل حوادث چهل ساله گیلان از ۸۸۰ تا ۹۲۰ ق، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۵)، مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ترجمه جواد قاسمی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ---- (۱۳۷۷)، فرقه‌های اسلامی، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: اساطیر.
- ---- (۱۹۸۷)، اخبار الائمة الزیدیه فی طبرستان، دیلمان و جیلان، بیروت: مطبعة المتوسط.
- مرعشی، سیدظہیرالدین (۱۳۴۷)، تاریخ گیلان و دیلمستان، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، ج ۲، انتشارات کومش، تهران.
- ملک پور، جمشید (۱۳۶۳)، ادبیات نمایشی در ایران، ج ۱، تهران: انتشارات توس.
- موسوی نژاد، سیدعلی (بهار و تابستان ۱۳۸۴)، «زیدیه از ظهور تا تأسیس حکومت»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، س ۴، ش ۱۳ و ۱۴، صص ۲۵۱-۲۶۸.
- موسوی نژاد، سیدمهدی (پاییز ۱۳۸۰)، «آشنایی با زیدیه»، مجله هفت آسمان، ش ۱۱، صص ۷۹-۱۰۲.
- مهدی زاده، علیرضا (پاییز ۱۳۹۵)، «بررسی تحلیلی گفتمان شیعی در چند نگاره حضرت علی (ع) از دوره‌های ایلخانی تا صفوی»، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۷، ش ۲۴، صص ۳۵-۴۸.
- میرآقایی، سیدهادی (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، «ضامن آهو و تجلی آن در شعر فارسی»، مجله فرهنگ مردم، ش ۴۳ و ۴۴، صص ۱۱-۲۲.
- میرزائی مهر، علی اصغر (۱۳۸۶)، نقاشی‌های بقاع متبرکه در ایران، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷)، رجال النجاشی (فهرس اسما، مصنفی الشیعه)، تحقیق السید موسی الشیبری الزنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- نوزاد، فریدون (۱۳۷۳)، نامه‌های خان احمدخان گیلانی، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.